

پیرامون نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی !



با پایان نمایشات انتخاباتی یازدهمین دوره ریاست جمهوری رژیم، گردانندگان این "انتخابات" مهندسی شده، نام حسن روحانی، یکی از جنایتکاران شناخته شده نظام دیکتاتوری حاکم بر ایران را به عنوان "چهره معتدل" و "میانه رو" و به ظاهر "مخالف رهبری"، به عنوان "پیروز انتخابات" و حاصل "رای حماسی" مردم ایران از صندوق های مارگیری خود بیرون آورده اند.

بلافاصله پس از اعلام نام این مهره خادم حکومت سرکوب و دیکتاتوری و جنایت جمهوری اسلامی، موج وسیعی از تبلیغات رذیلانه از سوی بلندگوهای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی، با حمایت قدرت های امپریالیستی برای فریب توده های ستمدیده ای آغاز شده که با تمام وجود با موجودیت کلیت این بساط استثمار و غارت و سرکوب مخالفند و در هر فرصتی که بدست می آورند عزم خود برای سرنگونی این رژیم سرکوبگر با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر رهبر آن به منصف ظهور می رسانند. در این تبلیغات عوام فریبانه از "انتخاباتی" که مقدمات آن با ایجاد یکی از گسترده ترین فضاها امنیتی در تهران و شهرهای بزرگ، در غیر دمکرات ترین حالت فراهم شد، از "انتخاباتی" که ابعاد "مهندسی" شدن تمام جوانبش شهره عام و خاص می باشد، از "انتخاباتی" که گردانندگانش بخاطر وحشت از انفجار قدرت مردم گرسنه و بیکار و بی خانمان حتی تحمل "رقابت صوری" نوکران وفادار خویش (رفسنجانی و مشایی) در آن را نکردند، و بالاخره از "انتخاباتی" که مطابق تمامی شواهد مستقل، با بی اعتنایی وسیع میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان و حاشیه نشین ها و گرسنه گان و کارتن خواب ها، یعنی اکثریت مردم ایران روبرو شده، به مثابه یک انتخابات "آزاد" و حاصل "رای حماسی" مردم نام ببرند.

در ادامه این تبلیغات مهندسی شده که تمام هدفش حفظ نظام ننگ و نکبت و خفقان سرمایه داران زالو صفت وابسته و اربابان جهانی شان در ایران می باشد، است که تمام مرتجعین بزرگ و کوچک بین المللی برای تقویت وجهه ضد خلقی و جنایتکار جمهوری اسلامی با یکدیگر مسابقه گذارده و ریاکارانه به تعریف و تمجید از "نتایج شگفت آور" این نمایشات حکومتی و معجزه بروز اراده آزاد مردم ما در جمهوری اسلامی و آغاز یک دوره جدید "تغییر" به نفع توده ها پرداخته اند. در این تبلیغات، در واقع امپریالیست ها به تکرار تاکتیک عوام فریبانه ای پرداخته اند که توده های آگاه ما با امثال آن در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی جنایتکار و خاتمی فریبکار آشنا هستند. تبلیغات مسمومی که مطابق آن کوشیده می شود تا گرگی که از صندوق های انتخاباتی بیرون آمده به مثابه میشی بی آزار به مردم ما قالب شود.

بر خلاف تمامی ساده اندیشیان و نیروهایی که با اعلام نتایج انتصابات حکومتی مفتون تبلیغات فوق شده و با باور ادعاهای گردانندگان نمایش انتخاباتی اخیر - که به قول "رئیس جمهور منتخب"، ابعاد "تلاش" برای مهندسی" کردنش تا حد "مهندسی کردن رقابت بین کاندیداها" نیز پیش رفت- آن را نشانه "احترام به رای مردم" و حاصل این رای می دانند، این تبلیغات فاقد کمترین حقانیت و اصالتی ست. مهم تر آن که سازمان دهندگان این تبلیغات سعی می کنند با دروغپردازی در مورد این که بیرون کشیدن روحانی جنایتکار "خواست" واقعی و قلبی مردم ماست، در واقع روحیه مبارزاتی توده ها را تضعیف و آن ها را دچار ناامیدی کنند. برغم این تلاش های خطرناک و ضدانقلابی، اما واقعیت این است که با توجه به ماهیت ضد خلقی دیکتاتوری حاکم، این طوفان تبلیغاتی طولی نخواهد کشید و این ماسک "دمکراسی" و "اعتدال" بر صورت کریه جنایتکارانی نظیر

روحانی - همان گونه که اسلاف او یعنی رفسنجانی و خاتمی ثابت کردند- دیری نخواهد پایید. در نتیجه نباید فریب چنین تبلیغات ریاکارانه ای را خورد.

برای توده های رنج کشیده و بویژه میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشانی که ۳۳ سال حکومت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، چه در هیات "اصول گرا" و "مدافع خط امام" و چه در هیات "میانه رو" و "اصلاح طلب" و ... تسمه از گردن شان کشیده، برای اکثریت جامعه تحت سلطه ای که در منجلاب بدبختی و ادبار و در زیر خط فقر بسر می برند، برای تمامی آنانی که تجربه تقلبات سیستماتیک و "امام زمانی" جمهوری اسلامی در انتصابات گذشته را از یاد نبرده اند، نمایشات انتخاباتی اخیر تافته ای جدا بافته از سایر مضحکه های قبلی نبوده و نیست. **در انتصابات حکومتی جمهوری اسلامی بدلیل ماهیت ضد خلقی و وابسته نظام دیکتاتوری حاکم و سیستم انتخاباتی اش، میزان نه رای توده ها بلکه توافقات بالاترین ارکان تصمیم گیری در این نظام ضد خلقی و در راس آن تصمیم ولی فقیه بوده و می باشد.** نگاهی به ماهیت و سابقه تازه ترین رئیس جمهور این نظام ضد خلقی یعنی سید حسن روحانی، مهره شناخته شده ای که به خاطر حضورش به مثابه "نماینده رهبری"، در بالاترین ارگان های امنیتی حکومت یعنی دبیری شورای امنیت ملی در طول سال ها دستش تا آرنج به خون کارگران و زحمتکشان زنان و جوانان و دانشجویان ما آلوده است، این حقیقت را به روشنی نشان می دهد. او نه یک "میانه رو" بلکه یکی از "ذوب شدگان در ولایت مطلقه فقیه" است که در شرایط فعلی بحران نظام سرمایه داری وابسته ایران و نیاز افزایش یافته های تحت ستم به تغییر، با نام "معتدل" و "میانه رو" به جلوی صحنه رانده شده تا ضمن تداوم و پیشبرد همان برنامه های اقتصادی - سیاسی اسارت بار سلف خویش، بقای عمر این نظام و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی را با فریب و سرکوب جنبش اعتراضی توده ها تضمین کند. در نتیجه با قاطعیت می توان گفت که با توجه به رشد روز افزون فقر و فلاکت و شرایط اسارت بار مادی حاکم بر زندگی توده های محروم، زمان زیادی برای اثبات بطلان تبلیغات مسموم امپریالیستی که در حمایت از این مهره خادم نظام دیکتاتوری و افسانه "میانه روی" و "اعتدال" او براه افتاده لازم نیست. تداوم مبارزه کارگران و مردم ستمدیده و آگاهی و تجربه های آن ها چهره ضد خلقی این آخوند جنایتکار را نیز همچون اسلافش یعنی "رفسنجانی و خاتمی و خیلی سریع عیان خواهد ساخت و به وضوح بار دیگر به همه نشان خواهد داد که تنها انتخاب واقعی مردم ایران تلاش برای نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته می باشد.

مرگ بر رژیم جنایتکار و فریبکار جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!

چریکهای فدایی خلق ایران
۲۶ خرداد ۱۳۹۳